

سوال :

یکی از ابواب اصول کافی بانام «انه ليس شي من الحق في يد الناس الا ماخرج من عند الائمه (عليهم السلام) وان كل شي لم يخرج من عندهم فهو باطل» می باشد آیا این باب و احادیث این باب شامل دانش های امروزی مانند فیزیک و هندسه و... میشود. لطفا بادلایل توضیح دهید.

پاسخ سوال شما در دو بخش اجمالی و تفصیلی بدین شرح می باشد.

پاسخ اجمالی:

این دسته روایات به هیچ وجه نشانگر بطلان علم روز نیست؛ بلکه آنچه روایات باب فوق بدان اشاره دارد، در چند محور خلاصه می شود:

۱. علم صحیح از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام.

اهل بیت علیهم السلام علم حقیقی را 3 چیز می دانند، آیه محکم که همان اصول اعتقادی می باشد، فریضه عادلانه یا همان اخلاق، سنت قائم که همان احکام شرعی است.

۲. علم نافع و سعادت آور فقط نزد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد و تنها راه نجات، چنگ زدن به دامان پاک اهل بیت علیهم السلام است:

از آنجایی که امامت اهل بیت علیهم السلام از ناحیه خداوند است و حجت های الهی برای هدایت بشر هستند، طبیعتا تنها راه نجات فرا گرفتن اصول اعتقادی و اخلاق و احکام شرعی از آنها است زیرا تنها این منبع است که به وحی و الهام الهی متصل می باشد.

۳. اهل بیت علیهم السلام هرگز علوم روز را نفی نکرده اند.

در موارد متعددی روایاتی نقل شده است که نه تنها اهل بیت علیهم السلام علوم روز را نفی نکرده اند، بلکه در علوم مختلف روایاتی از آن بزرگواران نقل شده است.

۴. بیان مصادیق علمی که اهل بیت علیهم السلام نهی کرده اند

علمی مانند سحر و جادو و ... که منجر به دشمنی میان افراد و ایجاد گسست در زندگی افراد می باشد، باطل است و مورد تایید اهل بیت علیهم السلام نیست. اما علمی که برای اداره جامعه مفید باشد، مثل گیاه شناسی و پزشکی، زیست شناسی و ... علم مفید محسوب می شود و بر اساس هدف آن علم، میزان اهمیت آن تعیین می گردد. [از این نوع علوم در روایات، با

پاسخ تفصیلی :

از نظر قرآن و روایات، علم وسیله است نه هدف؛ بهترین علم علمی است که انسان را به کمال می‌رساند و دنیا و آخرت او را آباد می‌کند؛ علمی که از چشمه زلال معارف اهل بیت علیهم السلام نشأت می‌گیرد انسان را به این مقصود می‌رساند؛ معصومان علیهم السلام در روایات به معرفی بهترین و نافع ترین علوم تصریح نموده اند و نه تنها سایر دانش های مفید را باطل ندانسته بلکه از آن ها با عنوان فضیلت یاد کرده اند؛ چنانکه پیغمبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله چنین می‌فرماید:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتِ الْوَأَسْطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا فَقِيلَ عَلَّامَةٌ فَقَالَ وَمَا الْعَلَّامَةُ فَقَالُوا لَهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَفَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص ذَلِكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جَهَلَهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عِلِمَهُ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی ج 1؛ ص 32 (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد، مسجد شد ناگهان جمعی را دید که گرد مردی جمع شده اند، فرمود: ماجرا چیست؟ گفتند: علّامه است، فرمود: علّامه یعنی چه؟ گفتند: داناترین مردم است به نسب عرب و تاریخ عرب و ایام جاهلیت و اشعار عرب و علوم عربیت، فرمود که: پیغمبر (ص) فرمود: این علمی است که اگر کسی آن را نداند ضرر [قابل توجهی] نمی کند و دانستنش نیز سود [چندانی] ندارد. سپس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا دانش [حقیقی] این سه مورد است: آیه محکم [اصول اعتقادی]، فریضه عادلانه [اخلاق]، سنت قائمه [احکام شرعی]؛ مابقی دانش ها نیز فضیلت است.

همان طور که ملاحظه نمودید روایت فوق، علوم واقعی را معرفی نمود و به هیچ وجه علوم روز مانند ریاضی و... را باطل ندانست بلکه آنها را فضیلت شمرد.

علم نافع تنها نزد اهل بیت علیهم السلام می باشد و پیروی از آنها راه نجات است

حال که مشخص شد مقصود از علم واقعی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام همان اصول اعتقادی، اخلاق و احکام شرعی است، ذکر این نکته جا دارد که این علوم به صورت درست و کامل تنها نزد اهل بیت علیهم السلام است زیرا تنها حجت های خداوند بر بشریت، ایشان می باشند و بر اساس حدیث شریف ثقلین، راه نجات انسان از هلاکت تنها در پیروی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام قابل ترسیم است. چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره چنین می فرمایند:

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا : كِتَابِ اللَّهِ وَعَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي ، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَهَدَ إِلَيَّ أَنْهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ كَهَاتَيْنِ - وَجَمْعَ بَيْنِ مَسْبُحَتَيْهِ - وَلَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ - وَجَمْعَ بَيْنِ الْمَسْبُحَةِ وَالْوَسْطَى - فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى ، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَا تَزَلُوا وَلَا تَضِلُّوا وَلَا تَقْدُمُوهُمَ فَتَضِلُّوا.

الشیخ کلینی، الکافی، ج 2 ص 415، تحقیق : تصحیح و تعلیق : علی اکبر الغفاری، چاپ : 1363 ش، چاپخانه : حیدری، ناشر : دار الکتب الإسلامية -

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه اش فرمود: من دو امر در میان شما به یادگار گذاشته ام اگر بعد از من به این دو چنگ بزینید، هرگز گمراه نخواهید شد و آن کتاب خدا و عترم، اهل بیتم، می باشند، خداوند لطیف و آگاه متعهد شده است که این دو مانند این دو انگشت من هستند و انگشت اشاره (و انگشت وسط را در کنار هم قرار دادند) و هرگز از هم جدا نمی شوند؛ پس به این دو چنگ بزینید تا دچار لغزش نشوید و گمراه نگردید و بر این دو پیشی نگیرید، که گمراه خواهید شد.

بر این اساس ایمان صحیح و واقعی در گرو این است که انسان در مسائل دینی جز از اهل بیت علیهم السلام، سخنی را نپذیرد و فقط تسلیم ایشان باشد زیرا تنها این منبع است که به وحی و الهام الهی متصل می باشد از این رو اهل بیت علیهم السلام نیز در روایات متعدد به مسلمانان همین مطلب را گوشزد نموده اند که علم واقعی تنها نزد آنان است.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی خطاب به یونس بن ظبیان می فرماید:

یا یونس إذا أردت العلم الصحيح فعندنا أهل البيت ، فإننا ورثنا وأوتينا شرع الحكمة وفصل الخطاب

الخزاز القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص 258تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، 140هـ .

ای یونس اگر علم صحیح می خواهی، نزد ما اهل بیت است؛ زیرا ما دین خدا و حکمت و کلام نهایی به ما عطا شده و وارثان آن ما هستیم.

در حدیث دیگر امام باقر علیه السلام نیز در این باره چنین می فرماید:

... قال : أبو جعفر عليه السلام لسلمة بن كهيل والحكم بن عتيبة : شرقا وغربا فلا تجدان علما صحيحا إلا شيئا خرج من عندنا أهل البيت .

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الأصول من الكافي، ج 1 ص 399ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

حضرت باقر علیه السلام خطاب به سلمة بن كهيل و حکم بن عتيبة فرمودند: شرق و غرب عالم بروید، علم صحیح را نمی یابید مگر آنچه از ناحیه ما اهل بیت علیهم السلام باشد.

یا در جای دیگر نیز حضرت در این باره چنین می فرماید:

وَاللَّهِ لَا يُوَجِّدُ الْعِلْمَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ نَزَلَ عَلَيْهِمْ جِبْرَائِيلُ

صفار، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات ص 29-30، محقق: حسن کوچه باغی، ناشر: منشورات الأعلمي - تهران، 1404 هـ.ق.

به خدا قسم علم [صحیح] یافت نمی شود مگر از اهل خانه ای که جبرئیل بر آنها نازل شده است.

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 2 ص 91تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ - 1983م.

علما و دانشوران شیعه نیز همین معنا را برای حدیث فوق بیان کرده اند؛ همانطور که علامه مجلسی در شرح یکی از روایات این باب، بیان می کند که راه مستقیم و سعادت بخش، تنها راه اهل بیت علیهم السلام است و راه های دیگر انسان را به بسوی هلاکت می کشاند:

... شرقا و غربا" على بناء التفعيل أمران للتهديد كما مر، و التشريق و التغريب كناية عن الخروج عن الطريقة الوسطى و

الصرات المستقيم، أو هما على المثال، و المراد اذها حيث شئتما، و أهل البيت منصوب على الاختصاص، و المقصود إبطال

طريقة فقهاء العامة و الزيدية الموافقين لهم في أكثر الفروع و الأصول، و ...

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج 4 ص 309ناشر: دار الكتب الإسلامية - تهران، الطبعة: الثانية، 1404هـ - 1263ش.

«شرفا و غربا» دو فعل امر از باب «تفعیل» هستند که در این جمله به معنای تهدید آمده اند؛ به شرق و غرب رفتن، کنایه از خارج شدن از راه معتدل و راه مستقیم است، و یا اینکه به عنوان مثال ذکر شده اند و مقصود این است که هر جا می خواهید بروید. «اهل البیت» به خاطر اختصاص، اعرابش منصوب است [یعنی تنها علم صحیح نزد اهل بیت علیهم السلام است]، منظور از این روایت اثبات باطل کردن طریقه و راه و روش عالمان اهل تسنن و فرقه زیدیه است که در بیشتر اصول و فروع دین با اهل تسنن موافق هستند. محمد صالح المازندرانی شارح اصول کافی نیز در ذیل روایات فوق چنین می نگارد:

... فانهم سبب الهداية بأنوار الدين والأحكام والدعوة إلى الله تعالى والعلم بكيفية السلوك إلى حضرة القدس حيث كان الخلق في ظلمات الجهل، وفيه تنبيه على وجوب اقتفاء آثارهم والرجوع إلى أشعة أنوارهم عند مزال الأقدام واختلاف الألسنة والأفهام....

شرح أصول الكافي - مولی محمد صالح المازندرانی - ج 6 ص 426

اهل بیت علیهم السلام سبب هدایت به احکام و مسیر نورانی دین و دعوت کننده بسوی خداوند هستند و به چگونگی سلوک و حرکت [صحیح] به سوی خداوند، علم دارند و اینها زمانی است که مردم در تاریکی های جهل قرار گرفته اند؛ این روایت انسان را آگاه می کند که واجب است راه و روش اهل بیت علیهم السلام پیروی نماید و در زمان لغزش گامها و اختلاف زبانها و فهم ها [کنایه از اختلاف های شدید اعتقادی]، به پرتو نور آنان مراجعه کند.

بنابراین طبق روایات فوق انسان وقتی تعالیم دینی خود را تنها از طریق اهل بیت علیهم السلام دریافت کند و محصولات گمانی تفکر بشری را بر تعالیم اهل بیت علیهم السلام ترجیح ندهد، به طور یقین به راه سعادت که خداوند متعال برایش در نظر گرفته است، نائل می آید؛ چنانکه امام کاظم علیه السلام در حدیثی نورانی به آن تاکید می کند:

مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ. وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ، رَدَّتْهُ الرِّجَالُ.

الشیخ الكليني، الكافي، ج 1 ص 7، تحقیق و تعلیق: علی اکبر الغفاری، چاپ: 1363 ش، چاپخانه: حیدری، ناشر: دار الکتب الإسلامية - طهران.

هر کس دین خود را از کتاب خدا و سنت پیامبرش بگیرد، اگر کوه ها سست شوند، او سست نمی شود. و کسی که دین خود را از دهان این و آن (غیر معصوم) بگیرد، همان افراد (و امثال آنان) او را از دین بر می گردانند.

باتوجه به آنچه یاد شد روایاتی که در کافی شریف در باب « انه ليس شي من الحق في يد الناس الا ما خرج من عند الائمة عليهم السلام.... » ذکر شده است، اشاره به این دارد که مرجعیت دینی اختصاص به اهل بیت علیهم السلام و قرآن دارد اما این بدین معنی نیست که سایر علوم بی ارزش است و سומند نمی باشد.

آیا اهل بیت علیهم السلام علوم روز را نفی کرده اند

با مراجعه به میراث اسلامی در می یابیم که نه تنها علوم روز نفی نشده بلکه در کلام اهل بیت علیهم السلام به زیبایی منعکس شده اند. وجود مبارک امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیثی نورانی فرمودند:

العلوم أربعة: الفقه للآديان والطب للأبدان والنحو للسان والنجوم لمعرفة الأزمان.

الکراچکی، أبي الفتح، معدن الجواهر، ص 40، تحقیق: السيد أحمد الحسيني، چاپ دوم، ناشر: مهر استوار - قم، 1394 ه.ق.

علوم [اساسی] چهار دسته اند: شناخت و معرفت دین ها، پزشکی علم نحو [قواعد دستوری زبان] و علم ستاره شناسی که در شناخت زمانها کاربرد دارد.

علاوه بر این مطلب بخشی از آیات و روایات از علوم روز سخن گفته اند و به صورت کاربردی از قواعد این علوم در آنها به کار

رفته است که در ادامه به عنوان نمونه به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم:

ریاضی

در قرآن کریم آیات مرتبط با علم ریاضی مانند آیات ارث وجود دارد:

«يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ آبَاؤُهُ فَلِأُمَّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينِ آبَاؤِكُمْ وَآبْنَاؤِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا». (سوره ي نساء، آیه ی ۱۱).

«خدا درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم پسر برابر سهم دو دختر است. و اگر دختر باشند و بیش از دو تن، دو سوم میراث از آنهاست. و اگر یک دختر بود نصف برد و اگر مرده را فرزندی باشد هر یک از پدر و مادر یک ششم میراث را برد. و اگر فرزندی نداشته باشد و میراث‌بران تنها پدر و مادر باشند، مادر یک سوم دارایی را برد. اما اگر برادران داشته باشد سهم مادر، پس از انجام وصیتی که کرده و پرداخت وام او یک ششم باشد. و شما نمی‌دانید که از پدران و پسرانان کدام یک شما را سودمندتر است. اینها حکم خداست، که خدا دانا و حکیم است.»

افزون بر آیات قرآن کریم در روایت معصومان علیهم السلام نیز موارد متعددی یافت می‌شود که بیانگر علم روز می‌باشد، از جمله امیرالمومنین علیه السلام در پاسخ به سوال شخصی یهودی که از حضرت پرسید عددی را به من بگو که اگر آن عدد را به هر عددی از 1 تا 10 تقسیم کنیم عددی که بدست می‌آید همیشه عددی کامل باشد نه عددی کسری، حضرت در جواب فرمود:

... اضرب أسبوعك في شهرك ثم ما حصل لك في أيام سنتك تظفر بمطلوبك ف ضرب اليهودي سبعة في ثلاثين فكان المرتقى " 210 " ف ضرب ذلك في ثلاثمائة وستين فكان الحاصل " 7560 " (4) فوجد بغيته فأسلم.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 40، ص 187، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، یحیی العابدی الزنجانی، السید کاظم الموسوی المیاموی، ناشر: مؤسسه الوفاء - بیروت - لبنان، چاپ دوم، 1403 ه.ق.

ایام هفته خود را در ایام ماه ضرب کن سپس حاصل آن را در ایام سال ضرب کن، آنچه مطلوب توست، به دست می‌آید؛ فرد یهودی عدد «7» را در «30» ضرب کرد حاصل آن «210» شد، سپس «210» را در «360» [تعداد روزهای سال قمری] ضرب نمود، حاصل آن «7560» شد، فرد یهودی [این عدد را به اعداد مختلف [از 1 تا 10] تقسیم نمود، دریافت بر همه اعداد بخش پذیر است و] به هدفش رسید، از این رو مسلمان شد.

نجوم

امام رضا علیه السلام نیز آنجا که به اثبات وجود خداوند می‌پردازد؛ به برخی از قوانین علم نجوم استناد می‌کند:

... فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع إِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى جَسَدِي وَلَمْ يُمَكِّنِي فِيهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ فِي الْعَرْضِ وَالطُّولِ وَدَفَعِ الْمَكَارِهِ عَنْهُ وَجَرَّ الْمَنْفَعَةَ إِلَيْهِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا الْبُنْيَانِ بَانِيًا فَأَفْرَزْتُ بِهِ مَعَ مَا أَرَى مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِقُدْرَتِهِ وَإِنْشَاءِ السَّحَابِ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَمَجْرَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآيَاتِ الْعَجِيبَاتِ الْمُبَيِّنَاتِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا مُقَدَّرًا وَمُنْشَأً.

الكافي (مُشَكَّل) - الشيخ الكليني - ج 1 ص 79، تحقيق: علي أكبر الغفاري، چاپ: الخامسة، تابستان 1363 ش، ناشر: دار الكتب الإسلامية - تهران - ایران.

وقتی به بدن خود می‌نگرم و می‌بینم که از عرض و طول نمی‌توانم چیزی به آن اضافه و یا کم کنم و یا بدی‌ها را از آن دور و منفعت

ها را جلب نمایم، در می یابم که عالم [هستی] بنیان گذاری دارد و به او اقرار می کنم علاوه بر اینکه می بینم مدار ستارگان با قدرت او می چرخد و ایجاد ابرها و وزش باد حرکت خورشید و ماه و ستارگان و ... از نشانه های عجیب و روشن اوست، از این رو می فهمم که اینها همگی حسابگر و ایجاد کننده ای دارند.

فیزیک

امیر مؤمنان علی علیه السلام در بحث خدشناسی به قواعد دقیق علم فیزیک در بحث شنوایی و بینایی اشاره می کنند:

قال الإمام علي (عليه السلام) : وكل سمیع غیره یصم عن لطیف الأصوات ، ویصمه کبیرها ویذهب عنه ما بعد منها و کل بصیر غیره یغمی عن حفی الألوآن و لطیف الأجسام

سید رضی، نهج البلاغه، خطبه 64.

هر شنونده غیر او از شنیدن صداهای بلند کر است [صداهای بسیار بلند را نمی شنود] و از شنیدن صداهای آهسته و ملایم ناشنوا است [زیرا قدرت شنیدن در مخلوقات به وسیله قوای موجود در گوش است، و آن قوه صداهای بسیار آهسته را نمی شنود و با شنیدن صداهای بسیار بلند نیز دچار اختلال و کری می شود اما خداوند متعال چون ذاتا شنواست و بدون نیاز به قوه شنوایی صداها را می شنود، شنیدن صداهای آرام و بلند در نزد او یکسان است] و هر بیننده غیر او از دیدن رنگهای پنهان (مانند رنگ تاریکیها) و از دیدن رنگ اجسام لطیف (مانند رنگ هوا و ذرات) عاجز است [زیرا دیدن او به وسیله قوه بینایی موجود در چشم است و چشم از دیدن رنگهای پنهان و لطیف عاجز است، اما خداوند بدون ابزار بینایی تمامی رنگهای پیدا و پنهان را می بیند]

همان طور که تاکنون ملاحظه شد، اهل بیت علیهم السلام نه تنها علوم روز را باطل نمی دانند بلکه در مواردی به ذکر آنها پرداخته و استفاده نمودند حتی در برخی موارد در تاریخ گزارش شده است که شاگردانی نیز در علوم روز همچون علم شیمی تربیت نموده اند که جابر بن حیان شاگرد امام صادق علیه السلام نمونه ای از این موارد است. ابن خلکان عالم اهل سنت در شرح حال امام صادق علیه السلام چنین می نگارد:

وله کلام فی صنعة الکیماء والزجر والفأل وکان تلمیذه أبو موسی جابر بن حیان

ابن خلکان، أبو العباس شمس الدین أحمد بن محمد بن أبی بکر الوفاة: 681هـ، وفيات الأعیان وانباء أبناء الزمان ج 1، ص 327، تحقیق: احسان عباس، ناشر: دار الثقافة - لبنان.

[امام صادق علیه السلام] در علم شیمی و پیشگویی و تفأل به خیر [فال نیک] تخصص داشت و جابر بن حیان نیز [در این زمینه] شاگرد ایشان بود.

بنابراین علوم روز یا همان «فضل» به تعبیر رسول خدا صلی الله علیه وآله، مورد تائید اهل بیت علیهم السلام می باشد. اما در این بین علمی نیز وجود دارد که ائمه علیهم السلام آنها را رد نموده و ممنوع اعلام کرده اند که در ادامه به صورت مختصر بدان می پردازیم.

علوم ممنوع از منظر اهل بیت علیهم السلام

از منظر آیات و روایات علمی وجود دارد که مورد نهی و منع قرار گرفته است مثل سحر و جادو و ... و احتمال می رود این روایات علاوه بر اثبات بطلان طریقه علمای مخالف شیعه [چنانچه در بیان علامه مجلسی گذشت]، ناظر بر علمی مانند سحر و جادوگری و ... باشد که منجر به دشمنی میان افراد و ایجاد گسست در زندگی افراد می شود؛ در این مجال به عنوان نمونه به ذکر روایتی از امام باقر علیه السلام به نقل از وجود مبارک امیر المومنین علیه السلام در باره ممنوعیت سحر بسنده می کنیم:

أبو البختری ، عن جعفر ، عن أبيه : أن علي بن أبي طالب عليه السلام قال : " من تعلم شيئاً من السحر - قليلاً أو كثيراً - فقد كفر ، وكان آخر عهده بربه ، وحده أن يقتل ، إلا أن يتوب "

کسی که سحر را یاد بگیرد (چه کم و چه زیاد) تحقیق کافر است و این آخرین ارتباطش با خداست [زین پس ارتباطش با خداوند قطع می شود] و مجازات او قتل است مگر اینکه توبه کند.

قرب الاسناد - الحميري القمي - ص 152، چاپ: الأولى، سال چاپ: 1413، ناشر: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث - قم.

بنابر این برخی از علوم همانند سحر و جادو از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام ممنوع است و مورد تایید اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام نیست؛ اما فرا گرفتن علوم روز به هیچ عنوان از نظر ائمه علیهم السلام ممنوعیتی ندارد زیرا آن بزرگواران نه تنها توصیه به علم آموزی نموده اند بلکه به فرا گرفتن حکمت از هر شخصی حتی منافق سفارش کرده اند؛ چنانکه امام علی علیه السلام می فرماید:

خذ الحكمة انى كانت ، فإن الحكمة تكون في صدر المنافق فتلجج في صدره حتى تخرج فتسكن إلى صواحبها في صدر المؤمن.

سید رضی، نهج البلاغة، خطب الامام علي عليه السلام، ج 4 ص 18 تحقیق: شرح: الشيخ محمد عبده، ناشر: دار الذخائر - قم - ایران، چاپخانه: النهضة - قم، چاپ: الأولى 1412 - 1370.

حضرت علی علیه السلام فرمود: حکمت را در هر جا که باشد، فرا بگیرید؛ همانا حکمت در سینه منافق نیز وجود دارد، و در سینه او لرزان است تا اینکه خارج شود و در سینه مومن که دارنده آن است، آرام گیرد.

بر این اساس هر دانشی که برای اداره و سعادت جامعه مفید باشد و باعث سعادت مندی انسان گردد، مطلوب بلکه لازم است.

اما به طور کلی آنچه بر اساس سنت قرآن و اهل بیت علیهم السلام بر یادگیری و به کار بردن علم مقدم است، تزکیه نفس و خودسازی است؛ از این رو ائمه علیهم السلام علمی را نافع می دانند که به خودسازی انسان کمک کند؛ چنانکه امام کاظم علیه السلام در حدیثی نورانی به آن تصریح می کند:

قال موسى بن جعفر عليهما السلام: أُولَى الْعِلْمِ بِكَ مَا لَا يَصْلُحُ لَكَ الْعَمَلُ إِلَّا بِهِ وَ أَوْجَبُ الْعَمَلِ عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنِ الْعَمَلِ بِهِ وَ أَلْزَمُ الْعِلْمِ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ وَ أَظْهَرَ لَكَ فَسَادَهُ وَ أَحْمَدُ الْعِلْمِ عَاقِبَةً مَا زَادَ فِي عَمَلِكَ الْعَاجِلِ فَلَا تَشْتَغَلَنَّ بِعِلْمٍ مَا لَا يَضُرُّكَ جَهْلُهُ وَ لَا تَغْفَلَنَّ عَنِ عِلْمٍ مَا يَزِيدُ فِي جَهْلِكَ تَرْكُهُ.

دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدين في صفات المؤمنين ص 305، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم، 1408 هـ.ق.

شایسته ترین علم برای تو آن است که عمل تو به واسطه آن اصلاح شود، و واجب ترین عمل برای تو آن است که در برابرش از تو بازخواست می کنند و لازم ترین علم برای تو علمی است که به اصلاح قلبت راهنمایی ات کند و فساد قلب را برای آشکار سازد، و شایسته ترین علم از نظر عاقبت، علمی است که عملت را فزونی بخشد [اعمال نیک تو را بیشتر کند]؛ بنابراین خود را به علمی مشغول نکن که ندانستن آن، برای زیانی ندارد و از علمی که ندانستن آن، بر نادانیات می افزاید، غافل نشو.

نتیجه

با توجه به مطالب فوق به خوبی می توان نتیجه گرفت که روایات مذکور نشانگر این نیست که اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام با علم روز مخالف اند؛ بلکه همان طور که بیان شد ائمه علیهم السلام حتی در زمینه علوم روز همانند شیمی، شاگردانی نیز داشتند؛ بنابراین مقصود امامان علیهم السلام از دسته احادیث بطلان راه و روش فقهی و کلامی علمای مخالف شیعه و نیز علوم حرام همچون سحر و جادو می باشد.

موفق باشید